

# برای یک میلاد پر نور

21 مهر 1401

از این مولود فرخ پی هزارو چارصد سال است / زمین دور خودش می‌گردد و بسیار خوشحال است  
فقط این جمله در تایید میلاد نبی کافی ست / که شیطان از نزولش تا همیشه ناخوش احوال است  
زمین و آسمان مکه طوری نور بارانند / که دیدار دوتاشان هم تماشا هست هم فال است  
پریشان کرده ایران رابه وقت آمدن این طفل / که خاموشی و خشکیدن در این اجلال، اقبال است  
محمد یا امین یا مصطفی یا احمد و محمود / من آر گنگم جهان هم در بیان او کر و لال است  
به پایش ریختند از نورها آن قدر از بالا / که سینه ریز خورشید این وسط ناچیز مثقال است  
نگهبان دارد اسمش از پس و از پیش حتی او / برایش حضرت از پیش است و صلّوا هم به دنبال است  
جهان را می‌زند برهم چنین اسمی که پایانش / به علم جَفَر، دست میم روی شانه‌ی دال است  
به رخ در جاذبه لب دارد و در دافعه لَن را / که پایین لبش نقطه ست و بالای لبش خال است  
اگرچه نیستم مثل قَرَن گرم اویس، / اما دلم از عشق تو مثل فلسطین است اشغال است  
اگر امروز آغاز است بر دین خدا با تو / غدیر خم ولیکن روز اتمام است و اکمال است  
تَرَک برداشت ایوان مدائن پیش تو یعنی / که ایوان نجف بر مشکلات شیعه حلال است  
هم اکنون مستم و این شعر تا روز جزا مست است / ملاک سنجش افراد، قطعاً سنجش حال است  
به پایان آمد این ابیات، اما خوب می‌دانم / هنوز این شعر در وصف محمد میوه‌ی کال است

مهدی رحیمی